

مسابقه خلاقیت

روزی که پویان در مدرسه برنده اول مسابقه خلاقیت شد، چند نفر از بچه‌ها ناراحت شدند. آن‌ها فکر می‌کردند کار پویان خرابکاری بوده و نباید جایزه می‌گرفت.

ماجرا از روزی شروع شد که پویان در خانه مشغول ساخت یک دومینو برای مسابقه بود. او می‌خواست قطعه‌های دومینو را روی هم بچیند تا یک بُرج درست کند اما حتی یک‌بار هم موفق به ساخت برج نشد. هر بار کمی پیش می‌رفت، دستش به قطعه‌ای می‌خورد و هرچه ساخته بود خراب می‌شد. پویان چندساعت مشغول بود. از آن طرف هم صدای گریه خواهر دوساله‌اش تمرکزش را به هم می‌زد. از شانس بد او خواهر کوچولو امروز از صبح سر ناسازگاری برداشته بود و مدام گریه می‌کرد.

چندساعت بعد، مامان با خواهر کوچولوی گریان، وارد اتاق شد. می‌خواست ببیند پویان چقدر پیشرفت کرده که پویان با ناراحتی گفت حتی یک‌بار هم موفق نشده و دیگر خسته است. مامان از پویان خواست بازهم تلاش کند. پویان هم با ناامیدی دوباره دست‌به‌کار شد. قطعه‌ها را روی هم می‌چید که دوباره انگشتش به یکی از آن‌ها خورد و برج نیمه‌کاره برای بار هزارم فرو ریخت. در همان لحظه خواهر

